



تجهیزات نوین نداشته باشیم با مشکل مواجه خواهیم شد

فرمانده انتظامی کشور با تأکید بر اینکه مؤلفه‌های مهمی از جمله تجهیزات نوین برای تأمین امنیت نیاز است، گفت اگر نتوانیم به این رشد برسیم، در اجرای مأموریت‌ها با مشکل مواجه خواهیم شد.

سردار حسین اشتری در افتتاحیه نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی لوازم و تجهیزات پلیسی، امنیتی و ایمنی گفت: به همان اندازه که در دنیا در فناوری‌ها رشد و جود دارد، پلیس باید بیشتر رشد داشته باشد، چرا که معتقدیم پلیس برای امنیت مردم و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و مقابله با مجرمان باید چند گام جلوتر باشد. وی ادامه داد: امروز امنیت مهم‌ترین مؤلفه برای دولت‌هاست و در سایه امنیت می‌توانیم رشد سیاسی، اقتصادی فرهنگی و اجتماعی داشته باشیم. اگر صنعتگران بخواهند رشد داشته باشند، امنیت می‌خواهند و دانشگاه، مدارس و بازار در سایه امنیت می‌توانند به اهداف خود برسند و این فقط مختص به کشور ما نیست، همه کشورها به امنیت و آرامش نیاز دارند. امروز با تلاش پلیس، نیروهای مسلح و همراهی مردم و رهنمودهای رهبر انقلاب دارای امنیت در کشور هستیم و باید آن را روز به روز ارتقا دهیم.

فرمانده فرابجا با تأکید بر اینکه مؤلفه‌ها و لوازمی برای امنیت نیاز است که یکی از آنها تجهیزات و امکانات دسترسی به تجهیزات نوین است، گفت: اگر نتوانیم به این رشد برسیم برای اجرای مأموریت‌ها با مشکل مواجه خواهیم شد. البته بجمدها کارهای خوبی در این زمینه صورت گرفته است.

فرمانده فرابجا گفت: مأموران ما با استفاده از تجهیزات روز و وظیفه و مأموریت خود

را به خوبی انجام می‌دهند. امروز بخش اعظم تجهیزات ما توسط نخبگان داخلی و

صنعتگران داخلی تولید شده و ما آمادگی صادرات این تجهیزات و چندین قرارداد

با کشورهای دیگر داریم. اگر دانشی در کشور ماست همه کشورها می‌توانند از آن

استفاده کنند، ما هم از دانش سایر کشورها استفاده می‌کنیم، اما با توجه به تحریم‌ها

امروز در همه حوزه‌ها روی پای خودمان ایستاده‌ایم و تحریم‌ها را که تهدیدی برای

ما بود تبدیل به فرصت کردیم. ما آمادگی تبادل اطلاعات با کشورهای دوست و برادر

را داریم و این از ارتباط و تعامل استفاده می‌کنیم.

تلاش ناکام دختر برای انتقال دخترانش به اروپا

تلاش خانم دکتر پس از اختلاف با شوهرش برای گرفتن سرپرستی فرزندانش و انتقال آنها به اروپا ناکام ماند.

به گزارش «جوان» چندنی قبل زن جوانی در تهران به اداره پلیس رفت و از برادر شوهر سابقش به اتهام ربودن دو دختر ۱۴ و ۹ ساله‌اش شکایت کرد.

شاکی گفت: «من پزشک پوست و مو هستم و شوهر سابقم نیز تاجر و مرد پولداری است. من و شوهرم در یکی از کشورهای اروپایی زندگی می‌کردیم و دو دخترمان هم در همان کشور به دنیا آمدند تا اینکه چند سال قبل به ایران بازگشتیم. زندگی ما خوب بود، اما من و شوهرم با هم اختلاف پیدا کردیم و در نهایت از هم جدا شدیم.

مدتی قبل شوهرم مرا تهدید به قتل کرد و او از او شکایت کردم و به زندان افتاد. پس

از این در دادگاه درخواست حضانت فرزندانم را دادم و دادگاه هم حضانت مرا

را به من داد، اما وقتی به خانه پدر بازگشتم رفتم تا دو دخترم را تحویل بگیرم، ادعا

کردند از دخترانم خبری ندارند. وقتی تحقیق کردم، فهمیدم عمویشان به نام حمید

از آنها نگهداری می‌کند، او به مدیر مدرسه هم سپرده‌است که فرزندانم را فقط تحویل

خودش بدهند و به من تحویل ندهند. من چندباری از برادر شوهر سابقم خواستم دو

دخترم را به من تحویل بدهد و حتی حکم قضایی را هم به او داده‌ام، اما او قبول

نکرد. من نمی‌دانم برادر شوهر سابقم دو دخترم را کجا حبس کرده‌است و الان از او

به اتهام آدم‌ربایی شکایت دارم.»

■ **احضار عمو**

با طرح شکایت خانم پزشک پرورنده به دستور قاضی غلامحسین صادق‌زاده، بازپرس

شعبه هفتم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان

پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران پلیس در نخستین گام حمید را برای تحقیق احضار کردند. وی وقتی مقابل

بازپرس قرار گرفت، گفت: «برادرم قهرمان ورزشی است، او علاوه بر ورزش در کار

تجارت هم فعالیت دارد و وضع مالی‌اش خیلی خوب است. همسر سابق برادرم زن

خوبی نبود و قدر زندگی‌اش را ندانست و در نهایت هم مدتی قبل برای برادرم پایوش

درست کرد و او را به زندان انداخت. پس از این برادرم از من خواست از دو دخترش

مراقبت کنم البته دختران برادرم در خانه پدرم بزرگ و مادر بزرگشان زندگی می‌کنند

و به خانه من هم رفت و آمد دارند.

مدتی قبل فهمیدم مادرشان به داد خانه رفته و حضانت بچه‌هایش را گرفته‌است، اما

دختران برادرم حاضر نشدند همراه مادرشان زندگی کنند. زن برادر سابقم می‌خواهد

دو دخترمان را دوست نداشت و به اروپا برید و من رضای نیتسند پدرشان را ترک‌کنند و به

همین خاطر به مادرشان جواب نه دادم.» وی در پایان گفت: «من دختران برادرم

را در مکانی حبس نکردم و آنها به مدرسه‌ی می‌روند و با رضایت خودشان در خانه

پدرم زندگی می‌کنند.»

■ **تحقیق از خواهر**

بازپرس جنایی دو خواهر را به دادسرا افرا خواند و درباره ادعای مادر و عمویشان از

آنها تحقیق کرد. دو خواهر در تحقیقات اعلام کردند که پدرشان را دوست دارند و

نمی‌خواهند همراه مادرشان زندگی کنند. یکی از خواهران گفت: «پدرم مرد مهربانی

بود، اما در مقابل، مادرم خیلی به پدرم بدی کرد و همیشه او را اذیت می‌کرد. او پدرم

را به زندان انداخت و الان هم تصمیم دارد من و خواهرم را از پدرمان جدا کند و به

خارج از کشور ببرد، اما من و خواهرم رضای نیتسند پدرمان را تنها بنگذاریم، چون او را

دوست داریم و به همین خاطر با رضایت با پدر بزرگمان و عمویمان زندگی می‌کنیم

. ما مادرمان را دوست نداریم و نمی‌خواهیم همراه او به اروپا برویم.

پس از اعلام نظر دو خواهر، بازپرس جنایی دستور تحقیقات بیشتری درباره این

شکایت صادر کرد.

■ **آزمین بینا**

پدر و پسری که متهم هستند در جریان

درگیری در یکی از سفره‌خانه‌های

سننتی تهران مر تکب قتل شده‌اند، تحت

تعقیب پلیس پایتخت قرار گرفتند.

ساعت ۲۱:۱۵ شامگاه یک‌شنبه ۲۴ مهر قاضی

محمد وهابی، بازپرس ویژه قتل دادسرای

امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران

پلیس از قتل مرد جوانی در سفره‌خانه سننتی

نزدیکی خیابان آذریباجان باخبر و همراه تیمی

از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی

محل شد.

تیم جنایی داخل سفره‌خانه با جسد مرد

۳۱ساله‌ای به نام فرهادیور شد که با صابن

ضربه‌قمه به قتل رسیده بود.

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد مقتول

پسر صاحب سفره‌خانه سننتی است که

دقایقی قبل در درگیری با پدر و پسر دیگری

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

فرار پدر و پسر پس از قتل در سفره‌خانه سننتی

داخل سفره‌خانه به قتل می‌رسد. همچنین

در این درگیری یکی از دوستانش که وکیل

دادگستری است و پدرش نیز زخمی و راهی

بیمارستان می‌شوند از سوی دیگر بررسی‌های

دوربین‌های مدار بسته محل حادثه نشان

داد پدر و پسری ساعتی قبل وارد سفره‌خانه

معد و هابسی، بازپرس ویژه قتل دادسرای

می‌کنند، سپس از سفره‌خانه بیرون می‌روند، اما

دقایقی بعد پدر و پسر در حالی که قمه و چاقو

در دست دارند دوباره به سفره‌خانه می‌آیند و

درگیری مبرگباری را رقم می‌زنند.

■ **طلب خونین**

مأموران پلیس در ادامه تحقیقات خود دریافتند

این درگیری به خاطر اختلاف مالی رخ داده

است و این پدر و پسر از پسر بزرگ صاحب

سفره‌خانه مبلغ یک میلیارد و ۸۰۰ هزار تومان

طلب داشتند، اما وی مدتی بود متواری شده و

بدهی خود را به طلبکار ن داده‌است.

تیم جنایی در ادامه برای تحقیقات بیشتر

به بیمارستان رفتند و پدر مقتول تحقیق

کردند. پدر مقتول در ادعایی گفت: «من، پدر

و پسری را که امشب به محل کارم آمدند و

پسرم را به قتل رساندند، نمی‌شناسم و فقط

می‌دانم یکی از آنها اسمش بهروز است. بهروز

مدعی است که از پسر بزرگم طلب دارد، به

همین خاطر هر چند وقت یکبار به سفره‌خانه

می‌آمد و سراغ پسر بزرگم را می‌گرفت، اما من

به خانه رفت و او آمدند. بهروز همیشه مرا

تهدید و وقتی هم به سفره‌خانه می‌آمد به ما

فحاشی می‌کرد.»

وی ادامه داد: «امشب پسر کوچکم فرهاد

همراه دوست و کیشش داخل سفره‌خانه بودند

که بهروز و پسرش وارد سفره‌خانه شدند. آنها

سراغ پسر بزرگم را گرفتند و ما هم به آنها

گفتمیز او از خبری نداریم. پدر و پسر شروع

به فحاشی کردند و من از آنها خواستم محل

کسب مرا ترک کنند، اما فایده‌ای نداشت

و همچنان فحاشی می‌کردند که از آنها با

تلفن همراهم فیلم گرفتم. دقایقی بعد آنها از

سفره‌خانه رفتند، اما لحظاتی بعد در حالی که

هر دو قمه و چاقو به دست داشتند دوباره وارد

سفره‌خانه شدند. آنها خیلی عصبانی بودند و به

من، پسرم و دوستش حمله و همه ما را زخمی

کردند، اما پسرم به خاطر شدت خونریزی فوت

کرد. من عاملان قتل را نمی‌شناسم و آدرسی

هم از آنها ندارم، اما پسر بزرگم کاملاً آنها را

می‌شناسد.»

همزمان با ادامه انتقال جسد مقتول به پزشکی

قانونی برای اجلام آزمایش‌های لازم، مأموران

پلیس عاملان قتل را تحت تعقیب قرار دادند

تا پس از بازداشت، روایای پنهان این حادثه را

برملا کنند.

تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

شکنجه‌گر میلیارد در بازداشت شد

زن میلیاردی که متهم است دو دخترش

را اِسرایی اجبار سه دستفروشی مورد

شکنجه قرار می‌داده، بازداشت شد.

به گزارش جوان، چندنی قبل مردی همراه دو

دختر ۱۱ و ۲۲ ساله‌اش به شعبه هفتم دادسرای

امور جنایی تهران رفت و از همسر سابقش به

اتهام شکنجه و آزار و اذیت دو دخترش شکایت

کرد.

وی گفت: «چندسال قبل به دلایلی از همسر

جدا شدم و پس از آن دو دخترم همراه مادرشان

زندگی می‌کردند. من خیال می‌کردم آنها

با همسر سابقش زندگی دارند، چون به همسرم اِرتبه

میلیاردی رسیده بود، اما چند روز قبل آنها به

خانه آمدند و گفتند از خانه مادرشان فرار

کرده‌اند. دو دخترم به من گفتند یک سال

است مادرشان آنها را شکنجه می‌دهد تا اینکه

تصمیم می‌گیرند از خانه او فرار کنند و به خانه

من پناه بیایند. آثار شکنجه و کبودی‌های بدن

آنها نشان می‌دهد که مادرشان بی‌رحمانه آنها را

شکنجه می‌داده‌است. من الان از همسر سابقم

به اتهام شکنجه دو دخترم شکایت دارم.»

■ **اِرتبه میلیاردری و دستفروشی**

دختر بزرگ شاکی هم گفت: «از یک سال قبل

اخلاق مادرمان تغییر کرد، به طوری که به هر

بهنای با من و خواهرم درگیر می‌شد و ما را

کتک می‌زد. او ما را به شدت کتک می‌زد و

ما هم توان مقابله با او را نداشتیم. مدتی قبل

زن جوان بازداشت و برای تحقیق به دادسرای

امور جنایی منتقل شد

وی با انکار جرم خود در ادعایی گفت: «من

دو دخترم را شکنجه ندهادم و آنها دروغ

می‌گویند. همیشه سعی کردم آنها را درست

تربیت کنم، به همین خاطر کمی به آنها

سخت می‌گرفتم، اما آنها با پدرشان برای

من پابوش درست کرده‌اند. آثار کبودی،

شکنجه و سوختگی روی بدن آنها را

هم پدرشان انجام داده است، چون

می‌خواهد از من انتقام بگیرد.»

وی در ادامه گفت: «پدرم اِرتبه

بیشتری نسبت به پدرم به من

داده، به همین خاطر برادرم

از من کینه دارد و به دروغ

شهادت داده است که

من دو دخترم را شکنجه

همزمان با ادامه تحقیقات

درباره این شکایت، زن

جوان برای بررسی

صحت سلامتی

روخی و

روانشناس

در اختیار

پزشکی کودکان

قرار گرفت.

■ **بازداشت زن سنگدل**

با طرح این شکایت، مأموران تحقیقات خود را

آغاز کردند. بررسی‌ها و گفته‌های دایی دو دختر

نشان داد که زن جوان دو دخترش را مدتی

است که شکنجه می‌داده است. بدین ترتیب

قصاص مجازات قتل در بزم شبانه

■ **فاطمه بصور**

پسر جوانی که بعد از بزم شبانه در اتاقک

نگهبانی یک کارخانه مر تکب قتل شده بود، در

جلسه دادگاه مدعی شد قصد دفاع داشته است.

متهم با حکم قضایی به قصاص محکوم شد.

۲۰ دی‌ماه سال گذشته، تحقیقات پلیس تهران با

قتل نگهبان یک کارخانه در بومهن به جریان افتاد.

مأموران به آن محل رفتند و با جسد نیمه ۲۲ ساله

روبرو شدند که با ضربات چاقو کشته شده بود، با

افتاد این خبر، بازپرس ویژه قتل همراه کارآگاهان

اداره پلیس در محل حاضر شد. سپس جسد به

دستور قضایی به پزشکی قانونی فرستاده شد و

تحقیقات میدانی به جریان افتاد. شاهدان حادثه

یک به یک مورد تحقیق قیـرار گرفتند و همگی

گفتند نیما در اتاقک نگهبانی یک بزم شبانه راه

انداخته بود، اما آخر میهمانی با مرد جوانی به نام

پیمان درگیر شد. در آن درگیری نیما با ضربات

چاقوی پیمان کشته شد و دو دختر به من جمله و

از محل گریخت.

فرزادی آن روز مرد جوان ردیابی و بازداشت شد.

او وقتی مورد بازجویی قرار گرفت به جرمش

اعتراف کرد و مدعی شد قصد دفاع از خودش را

داشته، ولی مر تکب قتل شده است. او در شرح

حادثه گفت: «من نیما را نمی‌شناختم و او دوست

مرضی بود، روز حادثه مر رضی را دیدم که گفت

امشب به یک میهمانی دعوت است او گفت یکی از

دوستانش به نام نیما، نگهبان یک کارخانه حوالی

بومهن است که یک میهمانی شبانه راه انداخته و

او را هم دعوت کرده است. مرضی از من خواست

همراهش بروم، ابتدا قبول نکردم، اما باصرارش به

آن میهمانی رفتم.»

متهم ادامه داد: «در آن میهمانی مشروب سرو

شد. همه خوردیم، اما نیما زیادهری کرد. بعد از

رفتن همه میهمانان خیلی خسته بودیم و قرار

شد شب را همانجا بخواییم. همگی خواب بودیم

که نیمه‌های شب متوجه شدم نیما بالای سرم

ایستاده است. نیم خیز شدم و پرسیدم کاری داری

که فهمیدم حالش خوب نیست او می‌خواست مرا

آزار دهد، یک سیلی آرام به صورتش زدم و موقلمت

کردم همان موقع یک چاقو درآوردم و به من حمله و

پیراهنم را پاره کرد. همان موقع چشمم به چاقویی

افتاد که کنار بخاری بود. آن را برای دفاع از خودم

برداشتم و چند ضربه به او زدم، سپس فرار کردم.

فرزادی آن روز فهمیدم ضربات کاری بوده و آن پسر